

<div>📖</div> <div>آثار ماندگار</div>	
<p>کشف‌الظنون</p> <p>عن أسامی</p> <p>الکتب والفنون</p>	

کتاب «کشف‌الظنون عن أسامی الکتب

والفنون» از آثار نفیس مصطفی‌بن عبدالله، معروف به «کاتب چلبی» می‌باشد که به زبان عربی و در قرن یازدهم هجری نوشته شده‌است.

• **معرفی کتاب**

این اثر حاوی مشخصات ۱۵هزار کتاب و شرح احوال ۹۵۰۰ مؤلف است. کتاب‌ها براساس عنوان و به‌ترتیب الفبا تنظیم شده‌اند و ذیل عنوان هر کتاب، مشخصات و خلاصه‌ای از موضوع آن آورده شده‌است. همچنین فهرستی تفصیلی از کتاب‌های اسلامی، عمدتاً اهل تسنن و شرح احوال مؤلفان آن‌ها می‌باشد و در میان فهرست‌هایی که در عالم اسلام تدوین شده، این کتاب به‌سبب جامعیت اطلاعات درباره کتاب‌ها و مؤلفان، از اهمیت فراوانی برخوردار است. در این کتاب، علاوه بر معرفی آثار، به ترجمه‌هایی از آن اثر به یکی از زبان‌های فارسی و عربی و ترکی اشاره شده‌است. همچنین علوم و فنون رایج تعریف و توضیح داده شده‌اند. اثر حاضر، از کتاب‌های نفیس و یکی از مآخذ مهم محسوب می‌شود که غالباً مورد استناد دانشوران قرار می‌گیرد.

• **ساختار کتاب**

موضوعات مطرح‌شده در این اثر عبارتند از: ماهیت علم، بیان عقیده و آرائی که درباره متفرعات مربوط به ماهیت علم وجود دارد، علم مدون و موضوع، مبادی، مسائل و غایت، تقسیم معتبر علوم و اقسام آن، سبب علم، منشأ نزول کتب و اختلاف مردم و اقسام آنها، اهل اسلام و علوم آنان، تألیف‌کنندگان و تألیف‌شده‌ها، منافع و موانع علم و ……

کتاب، فاقد فهرست بوده و در پاورقی‌ها، توضیحاتی پیرامون برخی از کلمات و مطالب متن داده شده‌است.

• **چاپ ونشر**

این کتاب توسط انتشارات دار احیاءالتراث العربی چاپ شده‌است. به‌سبب اهمیت این کتاب، بر آن ۹ ذیل نوشته شده که مهم‌ترین آن‌ها**ایضاح‌المکنون فی‌الدلیل علی‌کشف‌الظنون** می‌باشد. چاپ افست این ترجمه، در سال ۱۹۶۴ میلادی، در آمریکا منتشر شد**است**.

کشف‌الظنون را گوستاو فولکل به زبان لاتین ترجمه و در هفت جلد در(۱۸۵۸–۱۸۳۵م) در شهر لایپزیک آلمان و بار دوم این کتاب را در سال ۱۲۷۴ ه‍.ق در مصر و بار سوم در سال ۱۳۱۱ ه‍.ق در استانبول منتشر کرد.

	<div></div> <div>رواق شهیدان</div>
	
<div><div><div><div></div><div><div>طلحه شهید</div></div></div><div><div></div><div><div>قاسمعلی</div></div></div><div><div></div><div><div>پورمحمدی</div></div></div></div></div>	

در زمان اوج‌گیری نهضت اسلامی علیه رژیم پهلوی، تنها ۱۵ سال داشت؛ ولی به‌واسطه هوش انقلابی و ایمانی‌اش، در میدان مبارزات نقش‌آفرین شد. پس از فتح و ظفر انقلاب نیز، از تقسیم غذا و کمک به فقرا تا گشت‌زنی و نگهبانی، از دستاوردهای انقلاب غفلت نکرد.

• **حضور مستمر در جبهه**

چهار سال پس از جنگ، به شهادت رسید و در این مدت، شاید از هیچ عملیاتی جان‌مانده باشد. اولین مأموریتش به کردستان بود و مدتی را در دیوان‌دره به مبارزه علیه دشمن مشغول بود. در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس و آزادی خرمشهر شرکت داشت و از ناحیه‌پا مجروح شد. در دوران مجروحیت، به بندر لنگه رفت و در مبارزه با قاچاق‌چیان و خدمت‌گزاری به محرومان ایفا نقش نمود. عملیات‌های محرم، والفجر مقدماتی، والفجر ۲، ۳، ۴ و نیز عملیات خیبر و در آخر عملیات بدر، شاهد حضور این سرباز ولایت بودند.

• **تولد و شهادت**

طلحه شهید عیاسعلی پورمحمدی در سال ۱۳۴۲شمسی در نجف‌آباد به دنیا آمد و مدتی در حوزه علمیه زادگاهش درس خواند. عاقبت در اواخر سال ۱۳۶۳شمسی در کنار دجله و عملیات بدر، لقاءالله را با لباس خونین چشید و به مقام شهادت رسید و پیکر پاکش در جنت‌الشهدای نجف‌آباد به خاک سپرده شد.

• **پیامی از شهید**

شما باید برای حفاظت از اسلام و انقلاب، فرزندان خود را تشویق کنید که به نبرد با دشمنان برخیزند.

منبع: شاهدان روحانی

رهبر انقلاب در نگاه خود به مسئله فلسطینی با خوش‌بینی و متکی به وعده‌های الهی و واقعیت‌های میدانی همواره بر افق روشنی که در انتظار فلسطین است تأکید می‌کنند. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در تحلیل بیشتر این موضوع و جستجوی مصادیق میدانی این نگاه خوش‌بینانه به فلسطین، با آقای دکتر مسعود اسداللهی، کارشناس و تحلیل‌گر مسائل بین‌المللی و منطقه به گفت‌وگو پرداخته‌است.

■ **به‌عنوان سؤال اول به موضوع جایگزینی «اراده شکست‌ناپذیر» با «ارتش شکست‌ناپذیر» در موضوع فلسطین بپردازیم. اینکه این جایگزینی چطور اتفاق افتاده و چه سیری را طی کرده‌است؟**

● از زمانی که رژیم صهیونیستی رسماً تشکیل شد و در سال ۱۹۴۸ بخش‌هایی از سرزمین‌های فلسطین را اشغال کرد و از سوی زورمداران جهان به رسمیت شناخته شد، جنگ‌هایی در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و ۱۹۸۲ اتفاق افتاد. در همه این جنگ‌ها، نه‌تنها ارتش رژیم صهیونیستی موفق شد که ارتش‌های عربی را شکست دهد؛ بلکه مفتضحانه آن‌ها را تارومار کرد.

به‌همین خاطر از خود چهره‌ای به‌عنوان ارتشی نشان داد که در هیچ جنگی شکست نمی‌خورد. صهیونیست‌ها از ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۲ نشان دادند که در جنگ با ارتش عربی همواره پیروز هستند و به زبان عربی به آن «الحجیش الذی لا یفهر» می‌گفتند؛ یعنی «ارتش شکست‌ناپذیر». با عملیات روانی که توسط رسانه‌های غربی و عربی انجام می‌شد، این واژه جا می‌افتاد که جنگیدن با اسرائیل هیچ فایده‌ای ندارد؛ چون نمی‌توان این ارتش را شکست داد؛ اما بعد از آخرین جنگی که رژیم صهیونیستی با ارتش‌های کلاسیک انجام داد و در سال ۱۹۸۲ به لبنان حمله کرد، مقاومتی علیه این رژیم شکل گرفت که ما تا قبل از آن، شاهد چنین مقاومتی نبودیم. درست است که ما انواع و اقسام گروه‌های مسلح فلسطینی داشتیم که عنوان مقاومت را یدک می‌کشیدند؛ اما چون به ایدئولوژی‌های چپ کمونیستی و عرب‌گرایانه اعتقاد داشتند، مقاومت را بر اساس فرهنگ اسلامی شکل نمی‌دادند و با اینکه بعضی از این گروه‌های مقاومت، در ابتدا پیروزی‌هایی را به‌دست می‌آوردند؛ اما در طول زمان استحاله می‌شدند و ماهیت خود را از دست می‌دادند و به میلیشیاهایی(شبه‌نظامی) تبدیل می‌شدند که در هر کشوری بودند و وارد منازعات و جنگ‌های داخلی می‌شدند؛ مثل لبنان و اردن. هرچند در اردن جنگ داخلی نشد؛ اما در معادلات داخلی دیگر می‌شدند و از یک گروه حمایت می‌کردند و از این گروه‌ها در بین مردم محلی آن کشورها ایجاد نفرت می‌کردند. در عراق هم بعضی از گروه‌های فلسطینی که در عراق بودند، در سرکوب ملت عراق هم‌کار صدام بودند؛ اما در سال ۱۹۸۲، مقاومت اسلامی در لبنان شکل گرفت که به‌صورت خیلی ویژه بر اساس تعلیم اهل‌بیت (ع) بود. این مقاومت اسلامی به‌تدریج قدرت گرفت و توانمند شد، تجربه کسب کرد و با حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران تبدیل به قدرتی شد که توانست، بسیاری از معادلات را تغییر دهد و در همان دهه هشتاد میلادی، اولین عقب‌نشینی ارتش رژیم صهیونیستی در لبنان را رقم بزند. این ارتش در سال ۱۹۸۵ مجبور شد، باپایتخت و بسیاری از مناطق جنوب لبنان را تخلیه کند و به نوار امنیتی در جنوب لبنان پناه ببرد و اسم آن را کمربند امنیتی بگذارد. این اولین شکست ارتش رژیم صهیونیستی بود.

این رژیم پانزده سال بعد (در سال ۲۰۰۰)، از مقاومت اسلامی و حزب‌الله لبنان شکست اصلی‌تری را تجربه کرد؛ به‌خصوص در جنگ‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ از آن‌ها ضرباتی خورد که باعث شد، هزینه‌های مالی و جانی صهیونیست‌ها در آن کمربند امنیتی آن‌قدر بالا برود که مجبور شود، در ماه می سال ۲۰۰۰ عقب‌نشینی کند. به‌جز چند نقطه‌ای که هنوز محل منازعه‌است، به‌طور کلی قسمت عمده لبنان آزاد شد. در فاصله بین سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۹



رژیم صهیونیستی از داخل هم دچار بی‌ثباتی است

گفت‌وگو با دکتر مسعود اسداللهی کارشناس مسائل غرب آسیا

تخلیه شده بود، با کمک‌های حزب‌الله و جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص نقش بی‌بدیل سردار شهید سلیمانی موفق شد، حماسه‌های پی‌درپی‌ای را در جنگ‌های مختلف با رژیم صهیونیستی به‌دست داد. آمریکا دیگر آن ابرقدرتی که ادعا می‌کرد، نیست. وقتی که ارباب آن‌طوری ضعیف شود، رژیم صهیونیستی هم به‌شدت تأثیر می‌پذیرد و حتی بین آمریکا و رژیم صهیونیستی تنش‌های سیاسی ایجاد می‌شود؛ چون آمریکا دیگر قادر نیست، در خیلی جاها از رژیم صهیونیستی حمایت کند؛ ولی صهیونیست‌ها هنوز از آمریکا در داخل سرزمین‌های اشغالی دیوار حائل درست کند تا به خیال خام خود، از ضربات مقاومت در امان بماند. الان با قدرت‌های موشکی که مقاومت اسلامی در لبنان و غزه پیدا کرده، این دیوار دیگر کارایی ندارد. با حرکت‌های جوانان فلسطینی در منطقه ۱۹۴۸ که اخیراً ما شاهد اوج‌گیری آن بودیم، نشان داده شد که این دیوار هم، دیگر نمی‌تواند برای رژیم صهیونیستی امنیت به ارمغان بیاورد.

■ **افول آمریکا وارژیم صهیونیستی چه ارتباطی باهم دارند؟**

● افول آمریکا قطعاً تأثیر مستقیم بر افول رژیم صهیونیستی دارد؛ چراکه این رژیم با حمایت آمریکا و جهان غرب توانسته بود، چند دهه پیروزی‌های بزرگ به‌دست بیاورد. ارتش رژیم صهیونیستی از نظر تسلیحاتی به‌طور عمده به آمریکا و کشورهای غربی مثل انگلیس و فرانسه وابسته است. در جنگ‌های طولانی به‌خصوص در جنگ ۲۳، وقتی انبارهای مهمات ارتش رژیم صهیونیستی خالی می‌شد، آمریکا با پل هوایی بمب‌های جدیدی را به رژیم صهیونیستی می‌رساند. کمک‌های چند میلیاردی سالیانه آمریکا، این ارتش را سرپا نگه داشت و این ارتش توانست، مقابل دیگران تفاخر به قدرت کند.

اما از وقتی که آمریکا دچار مشکل شد و الان هم، در افغانستان خروج ذلت‌بار داشت و میلیاردها دلار سلاح را روی زمین گذاشت و فرار کرد، آبروی ارتش آمریکا از بین رفت و این امر، تأثیر مستقیم روی ارتش رژیم صهیونیستی داشت و اسرائیلی که به کمک‌ها و هیبت آمریکا وابسته است، دچار مشکل شد. ما دیدیم که آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی و عربی برای سرنگون کردن نظام قانونی سوریه چه تلاش‌هایی کردند و همه این‌ها

با نقشی که محور مقاومت در حمایت از نظام سوریه ایفا کرد، به شکست انجامید. بزرگ‌ترین توطئه اخیر تحت عنوان داعش که توسط همین کشورها پرورش یافته و تقویت شده بود، شکست مفتضحانه‌ای خورد. این‌ها همه پیام‌هایی بود که نشان داد، آمریکا دیگر آن ابرقدرتی که ادعا می‌کرد، نیست. وقتی که ارباب آن‌طوری ضعیف شود، رژیم صهیونیستی هم به‌شدت تأثیر می‌پذیرد و حتی بین آمریکا و رژیم صهیونیستی تنش‌های سیاسی ایجاد می‌شود؛ چون آمریکا دیگر قادر نیست، در خیلی جاها از رژیم صهیونیستی حمایت کند؛ ولی صهیونیست‌ها هنوز از آمریکا در داخل سرزمین‌های اشغالی دیوار حائل درست کند تا به خیال خام خود، از ضربات مقاومت در امان بماند. الان با قدرت‌های موشکی که مقاومت اسلامی در لبنان و غزه پیدا کرده، این دیوار دیگر کارایی ندارد. با حرکت‌های جوانان فلسطینی در منطقه ۱۹۴۸ که اخیراً ما شاهد اوج‌گیری آن بودیم، نشان داده شد که این دیوار هم، دیگر نمی‌تواند برای رژیم صهیونیستی امنیت به ارمغان بیاورد.

■ **افول رژیم صهیونیستی در چه حوزه‌هایی محسوس است؟**

● ما در بسیاری از زمینه‌ها، در رژیم صهیونیستی افول را می‌بینیم. کارشناسان، نویسندگان، سیاست‌مداران و اهل قلمی که در خود اسرائیل می‌نویسند، اعتراف می‌کنند که این رژیم، بسیار ضعیف شده‌است. اسرائیل با دو وعده صهیونیست‌ها را به سرزمین‌های اشغالی کشانده بود؛ یکی امنیت و دیگری رفاه. به یهودیان دنیا گفته بودند که شما اگر مهاجرت کنید و کشورهای زادگاه خودتان را ترک کنید و به سرزمین موعود (فلسطین) بیایید، هم از امنیت و هم از رفاه برخوردار خواهید شد که در کشورهای خودتان نخواهید داشت؛ چون در کشورهای خودتان همیشه اقلیت هستید؛ ولی در رژیم صهیونیستی اکثریت با شماس‌ت و ارتش بسیار قوی از شما حمایت می‌کنند.

اما در چند دهه اخیر، حداقل بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که مسئله فلسطین و الان هم، در افغانستان خروج ذلت‌بار داشت و میلیاردها دلار سلاح را روی زمین گذاشت و فرار کرد، آبروی ارتش آمریکا از بین رفت و این امر، تأثیر مستقیم روی ارتش رژیم صهیونیستی داشت و اسرائیلی که به کمک‌ها و هیبت آمریکا وابسته است، دچار مشکل شد. ما دیدیم که آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی و عربی برای سرنگون کردن نظام قانونی سوریه چه تلاش‌هایی کردند و همه این‌ها

گفت‌وگو

افتخار می‌کرد که در هیچ جنگی دشمن موفق نشده‌که به داخل و عمق خاک‌های تحت اشغال رژیم صهیونیستی حمله کند و همواره این رژیم صهیونیستی بوده که جنگ را به داخل کشورهای عربی هم‌جوار منتقل کرده‌است. در جنگ ۳۳ روزه، بخش عمده‌ای از سرزمین‌های اشغالی و صهیونیست‌نشین مورد هدف قرار گرفت و برای اولین بار صهیونیست‌ها مژه بمباران شدن و موشک‌باران شدن و تلفات دادن و ویران شدن را احساس کردند. برخلاف دهه‌های قبل که ملت‌های عرب همواره تلخی این نوع حوادث را با گوشت و پوست احساس می‌کردند. به‌همین خاطر، بعد از جنگ ۳۳ روزه، یکی از معضلات رژیم صهیونیستی، حمایت از جبهه داخلی شد. دستگاه‌های نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی مانورهای بسیار زیادی را برگزار کردند؛ اما در مانورها برایشان مشخص که جبهه داخلی‌شان بسیار آسیب‌پذیر است؛ بنابراین امنیتی که وعده دادند، محقق نشد. از طرف دیگر، آن‌ها با آوردن یهودیان از سراسر دنیا با فرهنگ‌های مختلف، جامعه موزاییکی را درست کردند که الان در بین خودشان تبعیض‌نژادی هست؛ مثلاً، یهودی‌های فلاشا که از اتیوپی به رژیم صهیونیستی منتقل شدند، همواره تحت تبعیض‌نژادی داخلی در بین صهیونیست‌ها بودند؛ چون برای یهودی‌ها حتی تصور یهودی سیاه‌پوست خیلی عجیب بود.

از طرف دیگر، رژیم صهیونیستی به‌علت تعدد قومیت‌ها (یهودبانی از کشورهای مختلف به این رژیم آورده شدند) احزاب مختلفی را تشکیل دادند و نظام سیاسی بسیار شکننده‌ای را درست کردند که هیچ‌گاه یک حزب نمی‌تواند به‌تنهایی اکثریت لازم را به‌دست بیاورد و دولت قوی از نظر معادلات داخلی تشکیل بدهد. این هم باعث شد که همواره دولت‌های رژیم صهیونیستی ائتلافی باشند و عمر طولانی نداشته باشند. معمولاً در عرض دو یا سه سال قبل از اینکه پارلمان دوره چهارساله‌اش را تمام کند، این دولت‌ها سقوط می‌کنند و اکثریت پارلمانی‌شان را از دست می‌دهند و آن ائتلاف‌ها به هم می‌خورد و انتخابات زود هنگام رخ می‌دهد. این مسئله نشان می‌دهد که این رژیم حتی از داخل دچار ثبات نیست و انسجام لازم برای مقابله با مخالفینش را ندارد. خب، این‌ها همه بر قدرت رژیم صهیونیستی برای بقاء و جلب و جذب مهاجرین جدید و ارائه چهره قوی از خودش تأثیر می‌گذارد. این‌ها همه موانع بزرگی است که نشان می‌دهد، رژیم صهیونیستی رو به افول است. قبلاً اگر صهیونیست‌ها به‌راحتی به غزه و لبنان حمله می‌کردند، اما دیگر از این خبرها نیست. این رژیم از سال ۲۰۰۶ تا الان دیگر جرئت نکرده به لبنان حمله نظامی کند. اسرائیلی‌ها بعد از عملیات سیف‌القدس، در هر نوع حمله به غزه مجبورند که بارها فکر و بررسی کنند و معمولاً هم در نهایت تصمیم می‌گیرند که پاسخی به حمله فلسطینی‌ها ندهند تا این موضوع به فراموشی سپرده بشود؛ چون می‌دانند اگر جنگی در بگیرد، مبارزان فلسطینی قدرت‌های جدیدی از توان موشکی‌شان را به نمایش می‌گذارند.

■ **کمی درباره مصادیق بطلان طرح سازش صحبت کنید و اینکه این بطلان در عرصه میدانی به چه شکلی بروز و ظهور پیدا کرده است؟**

● ما در دهه‌های مختلف طرح‌های سازش مختلفی را دیدیم که شاید مهم‌ترین آن، پیمان کمپ دیوید باشد؛ پیمانی که این‌طوری به دنیا نشان داده می‌شد که مهم‌ترین کشور عربی (مصر) با رژیم صهیونیستی سازش کرده‌است و بقیه کشورها چاره‌ای ندارند، جز اینکه آن‌ها هم به روند سازش بپیوندند؛ اما در این پیمان که در اواخر دهه ۷۰ه میلادی امضا شد، در دهه هشتاد میلادی، مقاومت اسلامی در لبنان و بعد از آن در خود فلسطین بروز و ظهور پیدا کردند. در روند‌های دیگری مثل اسلو که منجر به تشکیل حکومت خودگردان فلسطینی شد، انتفاضه اقصی و تحولات بعد از آن باعث شد که کل روند اسلو بی‌ثمری و بی‌فایده‌گی‌اش به اثبات برسد و عملاً یک نام توخالی از آن باقی ماند. روند طرح‌های صلحی که از طرف کنفرانس سران عرب با محوریت عربستان مطرح می‌شد هم، یکی پس از دیگری بی‌اثری خودش را نشان داد؛ چون صهیونیست‌ها اصولاً ارزشی برای این نوع طرح‌ها قائل نبودند و خودشان را در اوج قدرت می‌دانستند.

اما آخرین طرح سازش که همان طرح آبراهام است، در وضعیتی امضا شد که این رژیم خودش را در موضع ضعف می‌دید. اعضای طرح آبراهام بین رژیم صهیونیستی با بحرین و امارات با وساطت آمریکا در زمان ترامپ برخلاف تبلیغاتی که شد، نشان‌دهنده اوج ضعف رژیم صهیونیستی است؛ چراکه این رژیم با کبکیه و دبدبه، صحبت از عادی‌سازی روابط با کشورهای می‌کرد که روی نقشه به‌زور دیده می‌شوند و جز بهره‌برداری یک‌طرفه، نفعی برای این رژیم نداشتند. به‌اعتراف کارشناسان معروف صهیونیستی، روند آبراهام یک روند مرده‌ای است که به‌رغم سروصدای زیاد پیرامون آن، عملاً هیچ تحولی نتوانست ایجاد کند؛ حتی در تحولات اخیر ماه رمضان امسال در قدس، دولت عربستان مجبور شد، برای اولین بار بیانیه و مواضع تندئ علیه عملکرد رژیم صهیونیستی در مسجدالاقصی و در قدس منتشر و صادر کند.

رژیم آل‌سعود نگران بود که روند آبراهام پرده نفاق رژیم سعودی را برای ملت‌های مسلمان دنیا کنار بزند و نشان بدهد که ماهیت واقعی این رژیم چیست؛ چون عربستان خودش را متولی دو حرم مکی و مدنی معرفی می‌کند و می‌خواهد خودش را رهبر جهان اسلام جا بزند. این خیلی مهم است که چهره رهبر جهان اسلام مخدوش نشود. هرچند همه می‌دانند که رابطه پنهانی بین رژیم صهیونیستی و عربستان هست و به هواپس‌های این رژیم اجازه دادند، از آسمان عربستان عبور کنند؛ اما آن‌قدر بی‌آبرویی برای امارات و بحرین زیاد بود که عربستان احساس کرد، این به‌نفع محور مقاومت دارد تمام می‌شود؛ یعنی ملت‌های عرب به‌خصوص جوانان دارند، به‌سمت مبارزه بیشتر گرایش پیدا می‌کنند و در عین حال دارند، علیه رژیم صهیونیستی مبارزتی می‌شوند و کاملاً به رژیم‌های عربی پشت می‌کنند و این کاملاً به نفع محور مقاومت است؛ بنابراین، عربستان برای اینکه جلوی این روند را بگیرد و به جوانان عرب بگوید نه، ما هنوز هستیم و داریم از شما حمایت می‌کنیم، بیانیه صورتی منتشر کرد.

اما متأسفانه عده‌ای تلاش می‌کنند که توافق‌نامه آبراهام را آخر کار و نهایت روند سازش معرفی کنند که دیگر تمام شد و صهیونیست‌ها موفق شدند که در منطقه خلیج فارس جایای بسیار بزرگی پیدا کنند و دیگر کشورهای عربی در صف ایستاده‌اند که یکی پس از دیگری این توافق‌نامه را امضا کنند؛ آن‌ها این دیدگاه را مطرح می‌کنند که رژیم صهیونیستی موفق شد، در خلیج فارس حضور قوی پیدا کند.

ادامه در صفحه بعد